

### متن پرسش

سلام استاد: عرض ادب. همان‌طور که مستحضر هستید، یکی از دغدغه‌های اصلی فعالان فرهنگی شهر، فعالیت درست در ایام انتخابات است. معمولاً ما فعالان فرهنگی از طرف همکاران، اقوام، متریبان و... مورد سؤال قرار می‌گیریم که به چه گزینه‌هایی رسیده‌ایم و از ما درخواست می‌کنند که از بین کاندیداهای ریاست جمهوری و شورای شهر، فرد و افرادی رو به‌شون معرفی کنیم. در حالت عادی، ما با تحقیق و بررسی در بین کاندیداها و لیست‌های مختلف، به گزینه‌هایی می‌رسیم و به اطرافیان معرفی می‌کنیم. ولی سؤال اینه که وقتی یکی از علمای شهر برای پشتیبانی از حرکت جمعی، از یک لیست مشخص حمایت می‌کنند، وظیفه ما چیست؟ اگر ما بر اساس تحقیق و بررسی خودمون به گزینه‌هایی برسیم که الزاماً در لیست مورد حمایت فلان چهره علمی یا فقهی شهر وجود ندارند، آیا اجازه داریم، کسانی که اصلح تشخیص دادیم رو به دلیل حمایت یک عالم یا حمایت از ائتلاف و وحدت، کنار بگذاریم و به لیست معرفی‌شده ایشان رأی بدیم؟ سؤال بعد هم اینکه، آیا اساساً ما در انتخابات باید به دنبال کشف و معرفی و رأی به اصلح باشیم، یا وظیفه ما حمایت از ائتلاف و وحدت و این نوع دغدغه‌ها است؟ اگه بین انتخاب اصلح و حمایت از ائتلاف و وحدت، قرار بشه یکی رو انتخاب کنیم، وظیفه ما انتخاب کدام مورد است؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اولاً مطمئن باشید هرگز آن عزیزان اصرار ندارند از اشخاصی که شایسته بودن آن‌ها برای شما محرز شده است عدول کنید؛ ثانیاً بعضاً خود رفقا آن بزرگان را در محذور قرار می‌دهند که در چنین اموری وارد شوند در حالی که بهتر آن است تا رفقا اجازه دهند بزرگان شهر به حکم «علینا بالقاء الاصول و علیکم بالتفریع» آن‌ها ملاک‌های کلی را در انتخاب افراد ارائه دهند تا افراد جهت انتخابات در میدانی که آن بزرگان ملاک‌ها را تعیین کرده‌اند خودشان مصداق‌های جزئی را انتخاب کنند؛ به خصوص که همه می‌دانیم خوبان یک شهر مثلاً در امر شوراها منحصر به آن لیستی نیست که آن عزیزان و بزرگان شهر پشتیبانی می‌کنند. ثالثاً اخلاق اسلامی اقتضا می‌کند تا رفقای که بنا دارند طبق تشخیص خود به یک لیست رأی دهند، با گشودگی کامل نسبت به انتخاب بقیه برخورد کنند. رهبری می‌فرمایند: «ملت عزیزمان انتخابات را نماد وحدت ملی قرار بدهند، نماد دودستگی و نماد تفرقه قرار ندهند، نماد دوقطبی‌گری قرار ندهند؛ این تقسیم‌های غلط «چپ» و «راست» و امثال اینها را کنار بگذارند. آنچه مهم است آینده‌ی کشور است». رابعاً: حلقه‌های میانی از نقش خود غفلت

نکنند از آنجایی که رهبر انقلاب به آنها توصیه دارند در جایی قرار بگیرند که جدای از آنچه رهبری به عنوان شخصیتی که تکلیف کلی را تعیین می‌کنند و نیز جدای آنچه مربوط به دولت است قرار گیرند؛ لذا در این رابطه می‌فرمایند: «این به عهده‌ی جریانهای حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده‌ی رهبری است، نه به عهده‌ی دولت است، نه به عهده‌ی دستگاه‌های دیگر است.» و از این جهت رفقا باید خودشان در سنت انقلاب اسلامی بر اساس آتش به اختیاری که اقدام در این سنت است ابتکارات خود را شکل دهند. موفق باشید